

دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۲۴، سوالات بلاغی و گزاره‌های بلاغی

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

این دکتر جورج پیتون در تدریس ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه ۲۴، سوالات بلاغی و گزاره‌های بلاغی است.

در این ارائه، ما در مورد یک چالش ترجمه دیگر صحبت می‌کنیم، و آن سوالات بلاغی و گزاره‌های بلاغی است.

ما معمولاً به سوالات بلاغی فکر می‌کنیم، اما جملات بلاغی چیزی نیستند که اغلب مورد بحث قرار گیرند. ما می‌خواهیم ببینیم که چگونه هر دوی این موارد می‌توانند چالش‌هایی را برای مترجمان و مفسران کتاب مقدس ایجاد کنند. بنابراین، تا آنجا که ما می‌دانیم، هر زبانی سوالاتی دارد.

و معمولاً، آنها عادت دارند اطلاعات بپرسند. چیزهایی مثل، ساعت چند است؟ یا مهمانان ما کی می‌آیند؟ چند قرص نان می‌خرید؟ آن کیست که با جیم صحبت می‌کند؟ بنابراین ما این نوع سوالات اطلاعاتی را داریم. اما اهداف دیگری نیز برای سوالات وجود دارد.

و ما مقداری از آن را وقتی به نظریه کنش گفتاری نگاه کردیم، دیدیم، جایی که می‌توانید چیزهایی مثل این بگویید، می‌توانید نمک را بدهید؟ و این دیگر سوال برای کسب اطلاعات نیست؛ بلکه یک درخواست مودبانه است. بنابراین، سوالات می‌توانند به روش‌های مختلفی استفاده شوند. و گاهی اوقات، یک سوال می‌تواند به عنوان پاسخی به کسی استفاده شود.

از شما سوالی پرسیده می‌شود و شما با یک سوال به آن پاسخ می‌دهید، اما سوالی که به آن پاسخ می‌دهید در واقع چیزی فراتر از این است. برای مثال، فرض کنید یک دختر جوان دبیرستانی به نام سوزان از مدرسه به خانه می‌آید و بعد از مدتی که آنجا می‌ماند، از مادرش می‌پرسد که آیا می‌تواند تلویزیون تماشا کند. می‌توانم تلویزیون تماشا کنم؟ و بنابراین این یک درخواست واقعی است، دقیقاً همانطور که به نظر می‌رسد.

و مامان می‌گوید، تکالیف را تمام کردی؟ خب، این درخواستی برای اطلاعات است، اما موضوع فراتر از این است. بنابراین، مامان پاسخ داد که این درخواست بر اساس قوانین خانه بوده است. هم مامان و هم سوزان می‌دانند که قبل از انجام هر کار دیگری، باید اول تکالیف را انجام بدهی.

برای مثال، تماشای تلویزیون. اگر تکالیف را تمام کرده‌ای، پس جواب مثبت است، می‌توانی تلویزیون تماشا کنی. اگر تکالیف را تمام نکرده‌ای، پس اصلاً چرا می‌پرسی؟ خب، مامان این را می‌گوید، و تنها کاری که باید بکنند این است که سوال را بپرسد. سوزان از قبل جواب را می‌داند، چه بله باشد چه خیر، چون می‌داند که آیا تکالیفش را انجام داده است یا نه.

و او می‌گوید بله، و سپس می‌تواند تلویزیون تماشا کند. اگر هنوز تکالیفش را انجام نداده باشد، می‌رود و بعداً وقتی تکالیفش را تمام کرد، برمی‌گردد. همه اینها در این سوال نهفته است: آیا تکالیف را انجام داده‌ای؟ بنابراین، همیشه چیزهای بیشتری در سطح وجود دارد که ما واقعاً نمی‌بینیم، اما آنها را درک می‌کنیم.

و این یکی از کاربردهای دیگر پرسش است. اما موضوعی که اکنون می‌خواهیم به آن بپردازیم نوع دیگری از پرسش است. این نوع پرسش در بسیاری از زبان‌ها رایج است.

تمام زبان‌هایی که من با آنها برخورد کرده‌ام، سوالات بلاغی دارند و این سوالات، سوالات تحت‌اللفظی برای درخواست اطلاعات نیستند، بلکه برای نوعی تأثیرگذاری استفاده می‌شوند. بلاغت از کلمه بلاغت گرفته شده است. بلاغت تلاش برای تأثیرگذاری بر کسی است، تلاش برای تأثیرگذاری بر تفکر، یا رفتار یا درک او.

و بنابراین، قرار نیست آنها را به معنای واقعی کلمه برداشت کنیم. مشکل این است که چگونه آنها را تشخیص دهیم وقتی از زبان دیگری مانند یونانی یا عبری به زبان ما ترجمه می‌شوند؟ به عنوان مثال، در مرقس ۸:۳۶ انسان چه سودی دارد که تمام دنیا را به دست آورد و روح خود را از دست بدهد؟ و با سوالات بلاغی، انتظار پاسخی نداریم. اغلب، افرادی که آن را می‌شنوند، می‌دانند پاسخ چیست.

آنها می‌دانند که این یک سوال نیست. و در این سوال خاص بالا، واضح است که پاسخ این است که اگر انسان همه چیز را به دست آورد و روحش را از دست بدهد، هیچ سودی برایش ندارد. در نهایت او بازنده خواهد بود.

بنابراین، همه اینها در آن سوال ساده نهفته است: چه فایده‌ای برای مرد دارد؟ بنابراین، گاهی اوقات تشخیص اینکه یک سوال واقعی است یا لفاظی، آسان نیست. بنابراین، من چند آیه اینجا دارم، و سپس می‌توانیم بحث کنیم که آیا واقعی است یا لفاظی. آیا شخص درخواست اطلاعات می‌کند، یا از آن برای یک اثر لفاظی استفاده می‌کند؟ اولاً، خدا با شما مانند پسران رفتار می‌کند، زیرا کدام پسری وجود دارد که پدرش او را تنبیه نکند؟ واقعی یا لفاظی؟ احتمالاً لفاظی. خب، در مورد این یکی چطور؟ این موردی است که عیسی در میان جمعیت بود و زنی که مشکل خونریزی داشت او را لمس کرد و او گفت، چه کسی لباس من را لمس کرد؟ آیا این یک سوال واقعی است یا یک سوال لفاظی؟ فکر می‌کنم یک سوال واقعی بود.

و شاگردان گفتند، ببخشید آقا، ما را به این طرف و آن طرف هل می‌دهند. ما توسط جمعیتی از مردم احاطه شده‌ایم. و جواب این است که همه دارند شما را لمس می‌کنند.

منظورت چیست، چه کسی دارد مرا لمس می‌کند؟ به اطراف نگاه کن؛ حدود ۱۵ یا ۲۰ نفر سعی می‌کنند تو را لمس کنند. بنابراین، آنها این را به عنوان یک سوال واقعی در نظر گرفتند، بنابراین سعی کردند به آن پاسخ دهند، درست است؟ خب، مورد بعدی. اول تیموتائوس ۳.۵، زیرا اگر مردی نداند چگونه خانواده خود را اداره کند، چگونه می‌تواند از کلیسای خدا مراقبت کند؟ و مفهوم آن این است که اگر مردی نداند چگونه خانواده خود را اداره کند، نمی‌تواند از کلیسای خدا مراقبت کند.

اعمال رسولان ۲: ۷، و آنها متحیر و متعجب شدند و گفتند، مگر همه اینها که صحبت می‌کنند جلیلی نیستند؟ و پاسخ این است که همه اینها جلیلی هستند. همه ما این را می‌دانیم. متی ۱۰: ۱۳، سپس شاگردان آمدند و از عیسی پرسیدند، چرا با آنها با مثل صحبت می‌کنی؟ اگر متی و متن مربوط به مرقس را بخوانیم شاگردان واقعاً می‌خواستند بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد. زیرا در صحبت کردن با مردم با مثل، حتی شاگردان گاهی اوقات آن را نمی‌فهمیدند.

این موضوع به این سوال منجر می‌شود که مثل بزرگ چیست. لطفاً آن را برای ما توضیح دهید؟ پس، این یک سوال واقعی است، یا به نظر می‌رسد که واقعی باشد. و این مثل گندم و علف هرز در متی ۱۳: ۲۷ است: آیا بذر خوب را در مزرعه خود نکاشتید؟ پس چگونه علف هرز دارد؟ ما در اینجا دو سوال داریم. سوال اول به نظر می‌رسد بلاغی باشد.

آیا ما قبلاً بذر خوبی نکاشته بودیم؟ و احتمالاً این کارگران کسانی بودند که واقعاً این کار را انجام دادند. بنابراین، پاسخ این است که ما می‌دانیم که بذرهای خوبی کاشته‌ایم. سپس سوال اصلی این است که اگر ما

کسانی بودیم که بذره‌های خوبی کاشتیم، چطور ممکن است که این علف‌های هرز رشد کرده باشند؟ بنابراین در اینجا چند مورد دیگر وجود دارد. مرقس ۴:۳، آیا انجام کار نیک یا آسیب رساندن در روز سبت، نجات جان یک نفر یا کشتن او قانونی است؟ اما آنها سکوت کردند.

این عیسی در مرقس ۳ است، وقتی که در روز سبت کسی را شفا می‌دهد، و این سؤالات را از فریسیان می‌پرسد، و آنها به دنبال دلیلی برای احضار عیسی بودند. او این را به آنها می‌گوید، اما آنها سکوت می‌کنند. حال، آیا آنها می‌توانستند پاسخ دهند؟ شاید.

مرقس ۴:۳۰، آنها در قایق هستند، طوفانی است، عیسی در خواب است. استاد، اهمیتی نمی‌دهی که ما در حال هلاک شدن هستیم؟ به نظر می‌رسد لفاظی است. مرقس ۴:۳۰، مرقس ۴:۴۰، و او به آنها گفت، چرا می‌ترسید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟ پس، آیا عیسی گیج شده است؟ آیا او درخواست اطلاعات می‌کند؟ احتمالاً نه.

و به نوعی، او این را به آنها می‌گوید. البته، این حرف به نظر تند نمی‌آید. شاید به نوعی یک سرزنش مودبانه یا ملایم‌تر باشد.

در مرقس ۴:۳، به نظر می‌رسد که او آنها را صدا می‌زد و از آنها ناراحت بود. شما می‌توانستید تورات را در صدای او بشنوید، و بعداً می‌گوید که او چنان در روحش آشفته بود که از آنها عصبانی بود. مرقس ۴:۴۱، به دنبال مرقس ۴:۴۰، پس از آرام شدن دریا، و او گفت، آیا ایمان ندارید؟ آنها گفتند، این کیست؟ حتی باد و امواج از او اطاعت می‌کنند.

آیا این واقعی است یا لفاظی؟ شاید کمی از هر دو. بنابراین، همیشه تشخیص اینکه آیا این یک مورد واقعی است یا لفاظی، آسان نیست. اما یک سرخ این است که آیا افرادی که از آنها سوال پرسیده شده است به سوال پاسخ داده‌اند؟ و اگر پاسخ نداده‌اند، ممکن است لفاظی باشد.

و اگر منظورتان گروهی از شاگردان است که از یکدیگر می‌پرسیدند، هیچ کدام جواب را نمی‌دانستند. بنابراین سرخ دیگر این است که آیا به نظر می‌رسد شخصی که سؤال کرده از اطلاعات بی‌اطلاع بوده است؟ آیا می‌توانیم بگوییم که شاگردان در آن لحظه واقعاً نمی‌دانستند عیسی کیست؟ بله، دلیل خوبی برای این حرف وجود دارد. بسیار خوب.

بنابراین، اولین مسئله تعیین این است که آیا این یک سوال واقعی است یا یک سوال بلاغی. در رابطه با آن عملکرد سوال چیست؟ چرا شخص آن را گفته است، یا برای گفتن چه چیزی استفاده شده است؟ سرزنش کردن یک مورد رایج است، اما تنها مورد نیست. ما موارد دیگری را در کتاب مقدس داریم که سپس سؤالات تفسیری در مورد دلیل گفته شدن آن مطرح می‌کنند.

ما می‌فهمیم که این گفته شده است، اما همیشه نمی‌فهمیم که چرا گفته شده است تا زمانی که کمی عمیق‌تر به متن نگاه کنیم. بسیار خوب، پس سعی می‌کنیم بر اساس کلماتی که در سوال و کلمات موجود در متن استفاده شده‌اند، و همچنین بر اساس زمینه، موقعیت و سناریوی که افراد در آن قرار دارند، استنباط کنیم که عملکرد آن چیست. بسیار خوب، یکی از کاربردهای آن بیان یا تأکید بر این واقعیت است که آن چیز بدیهی است.

بنابراین در مرقس ۳:۲۳، عیسی می‌گوید، شیطان چگونه می‌تواند شیطان را بیرون کند؟ این واضح است شیطان نمی‌تواند شیطان را بیرون کند. یکی دیگر، جالوت، در میدان نبرد می‌گوید، آیا من یک فلسطینی نیستم، و شما سربازان شائول؟ این یک چیز واضح است، بنابراین شما بیرون می‌آید و این را می‌گویید. و بنابراین مطمئناً، همه آنها این را می‌دانستند.

یوحنا ۱۸:۳۵، وقتی عیسی مثلاً در حال بحث یا شاید مناظره با پیلطس است، و عیسی می‌گوید، آیا کسی در مورد من به شما چیزی گفته است، یا شما از قبل این را می‌دانستید؟ و او می‌گوید، آیا من یهودی هستم؟ که یعنی چه؟ من یهودی نیستم. از کجا می‌دانم؟ بسیار خب، پس این یک واقعیت آشکار است. من مطمئناً یهودی نیستم. بسیار خوب، مورد دیگر تمرکز بر یک شرایط یا موقعیت خاص است، به خصوص وقتی که ممکن است چندین احتمال وجود داشته باشد.

پس، یعقوب ۴، ببخشید، ۵:۱۳ و ۱۴، آیا کسی در میان شما رنج می‌کشد؟ بگذارید دعا کند. آیا کسی شاد است؟ بگذارید ستایش بخواند. آیا کسی در میان شما بیمار است؟ بگذارید بزرگان را صدا کند و از آنها بخواهد که بر شما دست بگذارند.

و بنابراین، حس این است که اگر کسی این‌طور است، باید آن کار را بکند. یا هر کسی که این‌طور است، بگذار آن کار را بکند. اما این منجر به این سوالات بلاغی شده است.

گاهی اوقات، برای مطرح کردن یک موضوع جدید یا جلب توجه به چیزی است. در روت ۳۱، نعومی به عروسش، دخترم، می‌گوید: آیا برای تو امنیت نخواهم که برایت خوب باشد؟ و سپس او چیز دیگری می‌گوید. روت حتی به آن هم پاسخ نمی‌دهد.

داشتم یک تفسیر می‌خواندم، و نوشته بود، نائومی این سوال بلاغی را پرسید، و روت مشخصاً در ذهنش فکر می‌کرد که جواب مثبت است. نمی‌دانم هدف نائومی از پرسیدن این سوال همین بوده یا نه. به نظر می‌رسید که او به چیز جدیدی اشاره می‌کرد و داشت موضوع را مطرح می‌کرد.

این سوال بلاغی را تجزیه و NLT و NIV. این روشی برای طرح موضوع و ورود به آن موقعیت و موضوع است. تحلیل می‌کنند و آن را در قالب یک بیانیه بیان می‌کنند. من باید به شما کمک کنم تا یک خانه امن پیدا کنید.

جالبه. باشه. مرقس ۴:۳۰ و ۳۱، چطور باید پادشاهی خدا رو تصویر کنیم یا با چه مثالی اون رو ارائه بدیم؟ مثل دانه خردل می‌مونه و غیره.

در این صورت، عیسی گیج نشده است. او گیج نشده است؛ خدای من، بگذار فکر کنم چطور این را بگویم. او موضوع جدیدی را مطرح می‌کند، و این یک گذار از چیزهای دیگری است که قبلاً گفته است.

او یک مثل می‌آورد، و سپس این گذار را انجام می‌دهد، و سپس مثل دیگری می‌دهد، و همین‌طور ادامه می‌دهد تا اینجا به مواردی مانند تمرکز بر یک وضعیت خاص، تمرکز، معرفی یک موضوع جدید یا بیان چیزی بدیهی پرداخته‌ایم. مورد دیگر، سرزنش کسی است، و این همان چیزی است که انتظار داریم، اما همیشه همان نیست.

مامان پسر سه ساله‌اش را که روی زمین نشسته و دارد کلوچه‌های توی ظرف کلوچه را می‌خورد، گیر می‌اندازد و می‌گوید، داری چه کار می‌کنی؟ و پسر می‌گوید، معلومه، مامان، چه شکلیه؟ دارم کلوچه می‌خورم. نه، او این کار را نمی‌کند. او سه ساله است، و دارد این کلوچه‌ها را می‌بلعد، و توی دردمس می‌افتد، و می‌گوید، اوه، متاسفم مامان.

باشه. داره سرزنشش می‌کنه. ازش اطلاعات نمی‌خواد.

متی ۱۲:۳۴، عیسی فریسیان را سرزنش می کند. ای افعی زادگان، چگونه می توانید بد باشید؟ سخن نیکو بگویید. پس او آنها را فرا می خواند.

مرقس ۸:۱۷ تا ۲۰، آنها تازه ۵۰۰۰ نفر را غذا داده بودند و سوار قایق شدند و عیسی به آنها گفت، از خمیرمایه فریسیان برحذر باشید. و آنها گفتند، ای وای، او ناراحت است که ما موفق نشدیم، که فراموش کردیم نان را برداریم. و او گفت من از شما در مورد نان نمی پرسم.

و سپس از آنها چندین سوال پرسید. اما اولین سوالی که پرسید این بود که آیا نمی فهمید؟ و آخرین سوالی که پرسید این بود که آیا واقعاً هنوز نمی فهمید؟ این ممکن است یک توبیخ شدید باشد یا نباشد، اما به نظر می رسد که او سپس آنها را صدا می زند. و سوال دیگری که قبلاً در مرقس ۳ داشت، وقتی گفت: آیا ایمان ندارید؟ آیا نگران هستید؟ یا ببخشید، مرقس ۴، آیا ایمان ندارید؟ وقتی دریا را آرام کرد.

یکی دیگر از این جملات، یکی از جملات مورد علاقه من از پولس است. ای غلاطیان نادان، چه کسی شما را افسون کرد تا این مزخرفات را باور کنید؟ این کاملاً یک سرزنش است. این مثل این است که عیسی فریسیان و کاهنان را افعی صفتان بنامد.

و بعد، اگر آیات بعدی را بخوانید، پولس بارها و بارها تکرار می کند. آیا این را باور نکردید؟ آیا متوجه آن نشدید؟ و او بارها و بارها در کل آن ماجرا تکرار می کند. او آنها را فرا می خواند.

باشه. خیلی خوب. ابراز احساسات یا عدم قطعیت.

بنابراین، در مرقس ۸:۱۱ و ۱۲، فریسیان با عیسی بحث می کنند و از او نشانه ای می خواهند، و او از ته دل آه می کشد. چرا این نسل به دنبال نشانه ای است؟ من فکر می کنم او از ته دل آزرده بود. و سپس آنچه را که می گوید انجام می دهد.

او با آنها صحبت نمی کند. این با آنچه در انجیل مرقس ۹ آمده متفاوت است، جایی که عیسی پس از پایین آمدن از کوه به مردی که با او صحبت می کنند می گوید. و می گوید، ای نسل بی ایمان، تا کی شما را تحمل کنم؟ او مستقیماً با آنها صحبت می کند.

اما اینجا او دارد فقط از درون خودش حرف می زند. اما در واقع این چیزها را می گوید. خوب.

در مرقس ۱۲:۱۷، مثل مردی که انبار داشت و نیاز داشت انبار بزرگتری بسازد. و سپس او در حال بررسی این است که، حالا که جایی برای گذاشتن تمام محصولاتم ندارم، چه کار کنم؟ بنابراین، او در حال فکر کردن به مسائل است. او در حال نشخوار فکری است.

داره به این فکر می کنه. باشه. و گاهی اوقات یه درخواست یا پیشنهاد مودبانه ست.

در مرقس ۵، مثل، ببخشید، موقعیتی است که عیسی با یایروس بود و می خواست دختر یایروس را شفا دهد. سپس، زنی که خونریزی داشت، پیش او آمد. و سپس او آن زن را شفا داد و آن زن رفت.

و بعد افرادی از خانه ی یایروس می آیند و به یایروس گزارش می دهند که دخترت مرده است. چرا بیشتر از این معلم را اذیت می کنی؟ باز هم، فکر نمی کنم این به دو دلیل سرزنش باشد. اول اینکه، به نظر نمی رسد که آنها خشن باشند.

دوم، آنها دارند با رئیسشان صحبت می کنند. در فرهنگی مثل آن، آنها هرگز رئیسشان را صدا نمی زنند، مخصوصاً جلوی مردم. بنابراین شاید چیزی شبیه به این باشد که، بیایید دیگر معلم را اذیت نکنیم.

خب، این یه پیشنهاد مودبانه یا «هی، بیا این کار رو انجام بدیم» هست. بیشتر با یه حالت آمرانه گفته میشه، نه با یه حالت دستوری. آره.

وجه التزامی اصطلاح است، اما مودبانه است. بگذارید این کار را انجام دهیم. یا شاید خوب باشد که... بسیار خب.

بنابراین، اولین کاری که باید انجام دهیم این است که مشخص کنیم آیا این سوال واقعی است یا لفاظی. و این چیزی است که ما هنگام انجام تحلیل از خود می پرسیم. نکته دوم این است که کارکرد سوال لفاظی چیست؟ و ما سعی می کنیم آن را استنباط کنیم. لیستی که من ارائه دادم شاید کامل نباشد.

ممکن است موارد دیگری هم وجود داشته باشد. اما ما سعی می کنیم تا حد امکان بفهمیم که تقریباً سوال بلاغی چه کاری انجام می دهد یا چرا آنها از آن به این شکل استفاده کرده اند. نکته بعدی این است که آیا زبان مقصد اصلاً سوالات بلاغی دارد؟ من سعی می کنم به زبان هایی که با آنها برخورد کرده ام و آنها را نداشته اند فکر کنم.

سوال این است که سوالات بلاغی در زبان مقصد چگونه عمل می کنند؟ و همانطور که گفتیم، ما از سوالات بلاغی برای معرفی یک موضوع جدید استفاده نمی کنیم. گاهی اوقات، این کار را برای خلاصه کردن انجام می دهیم. آیا تا به حال شنیده اید که یک کشیش موعظه ای می کند و او در مورد نکته اول، و سپس نکته دوم و نکته سوم صحبت می کند و سپس چیزی شبیه به این می پرسد، خب ما اینجا چه می گوئیم؟ و سپس او نتیجه گیری خود را می کند.

بنابراین، ما از آن به این شکل استفاده می کنیم، اما معمولاً کشیشی نداریم که بیاید و بگوید، پس پیام امروز درباره چیست؟ آنها معمولاً با این شروع نمی کنند. آنها معمولاً با چیز دیگری شروع می کنند. بنابراین، سوال این است که آیا زبان های مقصدی که ما با آنها کار می کنیم، سوالات بلاغی دارند که به همان شیوه سوالات کتاب مقدس عمل می کنند؟ آنها ممکن است سوالات بلاغی داشته باشند که برخی از آنها مانند سوالات کتاب مقدس عمل می کنند و برخی از آنها در کتاب مقدس ممکن است با زبان مقصد مطابقت نداشته باشند.

بنابراین، اگر آنها سوالات بلاغی داشته باشند و مفهوم سوال برای گویندگان زبان مقصد واضح باشد می توانیم آن را با استفاده از همان شکل به صورت یک سوال ترجمه کنیم. یادم می آید که با گروهی از افراد در نامیبیا مشغول ترجمه شفاهی کتاب مرقس بودم و حدود پنج یا شش فصل را پوشش دادیم. و کاری که آنها انجام می دادند این بود که صدای ضبط شده یک مرد مسن را داشتند که متنی را که ما به آن نگاه می کنیم روایت کرده بود، و سپس آن را برای من پخش می کردند.

او اتفاقاً آنجا نبود، بنابراین آن را برای من پخش کردند و سپس ترجمه شفاهی آنچه را که او به انگلیسی گفت به من دادند. خب، این به یکی از زبان ها بود، زبان هیمبا. بنابراین مردان هیمبا آن را می گفتند، و سپس به من می گفتند که معنی آن چیست.

من به یاد دارم که به بخشی برخوردیم که عیسی مجموعه ای از سوالات را می پرسید. و من نمی دانم این مرد چطور، آیا به او گفته شده بود که این سوالات بلاغی هستند یا نه، اما این کاری بود که او انجام داد. او می گفت که می داند این سوالات بلاغی هستند.

و آن کلمه، ناهی، یک عبارت همبها است. هیچ معنایی ندارد. یعنی دارم با لحنی بلیغ می‌پرسم، درست است؟ و حتی با آن لحن، می‌شود فهمید که او داشت سوال می‌پرسید.

در زبان سواحیلی، اگر چیزی پرسید و پاسخ واضح باشد، ممکن است بگویند، پس شما رئیس من هستید؟ پاسخ این است که نه، شما رئیس نیستید. چرا به من می‌گویند چه کار کنم؟ بنابراین، آنها از کلمه چرند به این شکل استفاده می‌کنند. و در زبان اورما، کلمه‌ای دارند به نام یوری.

خب، این یکی دیگه‌ست. خب، این زبان‌ها ممکنه این واژگهای کوچیک رو داشته باشن که می‌تونن ازشون برای بیان اینکه این سوالات بلاغی هستن استفاده کنن. و من همین الان به یه مورد دیگه تو زبان سواحیلی فکر کردم، جی.

خب، ما الان غذا نداریم. فردا چی؟ و اونا میگن، فردا، جی؟ اینم یه سوال دیگه. این یه سوال بلاغیه

بنابراین، ما باید به دنبال راه‌هایی در زبان مقصد باشیم تا این سوالات بلاغی را به روشی طبیعی منتقل کنیم. و وقتی این کار را انجام می‌دهید، واقعاً تأثیرگذار است. در زبان آنها خیلی زیبا به نظر می‌رسد.

و آنها فوراً آن را دریافت می‌کنند. اگر آن را نداشته باشند چه اتفاقی می‌افتد؟ پس، باید به روش دیگری برای بیان آن فکر کنیم. زیرا اگر آن را به عنوان یک سوال رها کنیم، ارتباطی برقرار نخواهد کرد.

بنابراین، ما باید به دنبال راهی برای تغییر شکل آن باشیم. و این یک مسئله دستوری است. کمی مربوط به مسائل زبانی سطح بالاتر است.

این دستور زبان سراسری نیست، اما به نوعی کاربرد زبان است. خب. بنابراین جملات یا دستورات عمل‌های بلاغی جملاتی هستند که قرار نیست به معنای واقعی کلمه برداشت شوند، زیرا برای تأثیرگذاری یا تأثیر استفاده می‌شوند.

بنابراین، برای مثال، جملات بدیعی به صورت بلاغی استفاده می‌شوند، و سوالات بدیعی سوالاتی هستند که برای تأکید یا تأثیرگذاری استفاده می‌شوند. بنابراین، جملات بدیعی یا دستورات عمل‌های بدیعی. بنابراین، برای مثال، دوست شما در شرف گرفتن تصمیم بدی است، و شما به او توصیه می‌کنید که این کار را نکند، و به او می‌گویید، مطمئناً، این ایده بسیار خوبی است.

مطمئنم که واقعاً خوب پیش خواهد رفت. او می‌داند که تو جدی نیستی. او می‌داند که تو واقعاً اینطور فکر نمی‌کنی.

اینو برای تاثیر گذاشتن میگی. ما همیشه این کارو میکنیم و حتی متوجه نمیشیم که داریم انجامش میدیم. اوه آره، ایده خیلی خوبیه.

بله. خب، ما این‌ها را در کتاب مقدس داریم. خیلی رایج نیستند، اما داریم.

بنابراین، باید متوجه باشیم که قرار نیست آنها را به معنای واقعی کلمه برداشت کنیم. سپس، سوال این است که آیا باید آن را به عنوان یک جمله‌ی خبری باقی بگذاریم؟ یا باید به نحوی آن را تغییر دهیم یا تنظیم کنیم تا افرادی که متن را می‌خوانند متوجه شوند که این یک جمله‌ی صریح برای ارائه اطلاعات نیست؟ بنابراین، باید کاری انجام دهیم. در اینجا یکی از آنها را ذکر می‌کنیم.

این انجیل یوحنا، باب ۱۱ است، تقریباً همزمان با مرگ ایلعازر، و عیسی عمداً دو روز دیگر تأخیر کرد تا ایلعازر حتماً بمیرد. و سپس به شاگردان گفت، بیایید دوباره به یهودیه برویم. و شاگردان به او گفتند، ای استاد، یهودیان همین الان می‌خواستند تو را سنگسار کنند، و تو دوباره می‌روی؟ و بعد این ماجرای همیشگی مگر نمی‌دانی که هیروودیس دنبال توست؟ و عیسی می‌گوید، هیروودیس، آن روباه، آن جوجه تیغی کوچک، من به هیروودیس اهمیتی نمی‌دهم.

من کار دارم. و بعد می‌گوید، و آنها [به آن] نمی‌رسیدند. و بعد، به صراحت می‌گوید، لازاروس مرده است.

و برای شما خوشحالم که آنجا نبودم تا ایمان بیاورید. اما بیایید نزد او برویم. پس شما که دوقلو نامیده می‌شد، «به شاگردان دیگر گفت:» بیایید ما نیز برویم تا با او بمیریم.

این در واقع یک جمله‌ی بلاغی است. راستش را بخواهید، نحوه‌ی خواندن آن در انگلیسی کمی کلیشه‌ای است. به نظر نمی‌رسد که تأثیر بلاغی قدرتمندی داشته باشد، حداقل روی من که آن را می‌خوانم اینطور نیست.

و گاهی اوقات آن را می‌خوانید و می‌گویید، خب، این چیست؟ و بعد فقط ادامه می‌دهید، و واقعاً متوجه نمی‌شوید که او طعنه نمی‌زند، بلکه منظورش واقعی هم نیست. آنها آماده نبودند که بروند و با عیسی بمیرند. آنها نمی‌گفتند، می‌دانید، هر جا که عیسی برود، اگر او بمیرد، ما هم خواهیم مرد.

این کاری است که پطرس وقتی در شام آخر بودند انجام داد. و او می‌گوید، اگر قرار است بمیری، من هم با تو می‌آیم، و خواهم مرد. ما اینجا این را نمی‌فهمیم.

این یک جمله‌ی لفاظانه است که اغلب از قلم می‌افتد. جمله‌ای که چند روز پیش داشتیم، در سخنرانی دیگر، بخشید، مردی که پسری دیورده داشت. و بعد به عیسی می‌گوید، اما اگر می‌توانی کاری بکنی، به ما رحم کن و کمکمان کن.

و عیسی گفت، اگر می‌توانی، همه چیز برای کسی که ایمان دارد ممکن است. و بلافاصله، پدر پسر فریاد زد و گفت، من ایمان دارم، مرا در بی‌ایمانی‌ام یاری کن. ما قبلاً در مورد این موضوع بحث کردیم، اما فقط به عنوان یک بررسی، اگر می‌توانی، مشخص نیست که این در آنجا چه می‌کند.

آن را به یک سوال بلاغی تبدیل می‌کند، و NLT آیا این یک جمله‌ی بلاغی است؟ آیا یک سوال بلاغی است؟ سپس حتی با گفتن «اگر می‌توانم منظورت چیست؟» به آن اضافه می‌کند. برای موارد دیگر، اگر می‌توانی یک علامت سوال بگذار. در انگلیسی، ما باید از آهنگ صدا برای تأکید استفاده کنیم، اما ما بر چیزی تأکید می‌کنیم که کلمات ثابت روی یک صفحه هستند. ترجمه‌های دیگر به انگلیسی این را به عنوان گفته‌ی عیسی در نظر می‌گیرند، خب اگر می‌توانی باور کنی، همه چیز ممکن است.

آنها این را به عنوان یک جمله تحت اللفظی در نظر می‌گیرند که عیسی با گفتن این جمله با پدر صحبت می‌کند و می‌گوید، اگر می‌توانید ایمان بیاورید، بنابراین روش‌های مختلفی برای تفسیر آن وجود دارد زیرا گیج‌کننده است. سخت است.

نمی‌توانم با قطعیت بگویم، مطمئنم که این یک جمله‌ی لفاظی است، اما مطمئناً در متن چیزهای بیشتری وجود دارد که اگر آن را صرفاً به عنوان تشویق واقعی عیسی به ایمان گرفتن آن مرد در نظر بگیرید، این یک احتمال است. اگر به متن نگاه کنید، این یک تفسیر موجه است. با این حال، به نظر می‌رسد چیزهای بیشتری در جریان است.

باشه. مورد بعدی در مرقس ۱۴ پیدا میشه. اونا تو باغ جتسیمانی هستن.

عیسی برای دعا رفت و برگشت و آنها را در خواب یافت و به آنها گفت: «ای شمعون، آیا خواب هستید؟ آیا نمی‌توانستید یک ساعت بیدار بمانید؟ بیدار بمانید و دعا کنید تا در وسوسه نیفتید. روح راغب است، اما جسم ناتوان.» و دوباره رفت و همان کلمات را گفت و دعا کرد.

دوباره برگشت و آنها را در خواب دید، با چشمانی سنگین، و آنها نمی‌دانستند چگونه به او پاسخ دهند. بنابراین به سوال اول می‌پردازیم. شمعون، خوابی؟ به عنوان یک سوال بلاغی.

در واقع، اگر به یونانی نگاه کنید، می‌تواند یک پرسش بلاغی یا یک جمله‌ی بلاغی باشد، زیرا در یونانی علامت سؤال وجود ندارد. فقط می‌گویید، شمعون، تو خوابی. اما ما این را به عنوان یک پرسش بلاغی در نظر می‌گیریم.

بعد این را می‌گویید. بعد بار سوم آمد و به آنها گفت که به خوابیدن و استراحت کردن ادامه دهند. آیا واقعاً به آنها می‌گویید که باید به خوابیدن ادامه دهند؟ من یک بار موعظه‌ای در این مورد شنیدم و کشیش گفت که عیسی به این موضوع اهمیت می‌داد.

آنها خسته بودند. تمام روز را مشغول بودند. عید فصح بود.

آنها نخوابیده بودند و او نگران‌شان بود. شما بچه‌ها، بروید و کمی استراحت کنید. کافی بود.

ساعت فرا رسیده است. اینک پسر انسان را تسلیم می‌کنند. برخیز.

بریم. ببخشید. زمانی که گفت به خوابیدن ادامه دهید و زمانی که گفت بلند شویم و برویم حدود دو ثانیه است.

بنابراین، احتمال اینکه او آنها را به خوابیدن تشویق کند، اگر نگوییم غیرممکن، بسیار بسیار کم است. جالب اینجاست که بسیاری از ترجمه‌های انگلیسی این را اینگونه ترجمه می‌کنند: آیا هنوز می‌خوابی و استراحت می‌کنی؟ جالب است. آنها آن را به یک سوال بلاغی تبدیل کرده‌اند زیرا خوابیدن و استراحت کردن به نظر منطقی نمی‌رسد.

خب، برمی‌گردی پیش دوستت که داره این تصمیم رو می‌گیره و شما می‌گویید که این ایده‌ی خیلی خوبی است. واقعاً خوب از آب در خواهد آمد. و او می‌گوید، اما من به هر حال این کار را خواهم کرد.

و شما چی می‌گید؟ باشه، پس انجامش بده. شما در واقع به او نمی‌گویید که این کار را انجام دهد، اما این در یونانی با حالت امری است. به خواب ادامه بده و استراحت کن.

جالبه. خب، این‌ها می‌تونن حتی برای فهم هم مشکل ایجاد کنن. این‌ها می‌تونن موقع ترجمه مشکل ایجاد کنن.

و چگونه باید آن را ترجمه کنیم؟ آیا باید این مورد خاص را به عنوان یک پرسش بلاغی ترجمه کنیم؟ اگر زبانی که به آن می‌رویم، زبانی که به آن ترجمه می‌کنیم، فاقد عبارات بلاغی باشد، در این صورت این یک مشکل در ارتباط خواهد بود. این دلیل خوبی است که به سراغ یک پرسش بلاغی برویم، همانطور که بسیاری از

نسخه‌های انگلیسی این کار را می‌کنند. و بنابراین یکی از مسائل این است که آیا ما کاری بسیار غیرمعمول انجام می‌دهیم؟ و پاسخ منفی است زیرا چندین نسخه انگلیسی داریم که این کار را انجام می‌دهند.

بنابراین، این توجیه یا نوعی پشتیبانی برای انتخاب ما برای انجام این کار است. خوب، این ما را به کجا می‌رساند؟ بنابراین تشخیص می‌دهیم که این یک جمله‌ی بلاغی است و می‌پرسیم، کارکرد آن چیست؟ آیا سرزنش است یا چیز دیگری؟ و به یاد داشته باشید که اگر از شکل‌های یونانی یا عبری استفاده کنیم، باید از خود پرسیم، آیا مردم تأثیر بلاغی مورد نظر نویسنده را درک خواهند کرد؟ و همانطور که گفتیم، اکثر نسخه‌ها یوحنا ۱۱ و ۱۶ را ترجمه می‌کنند، وقتی عیسی می‌گوید، یا وقتی توماس گفت، پدر، بیا به اورشلیم برویم و بمیریم. آنها آن را به معنای واقعی کلمه ترجمه می‌کنند.

من هیچ کدام از آنها را ندیده‌ام که آن را ترجمه کنند، جز اینکه دقیقاً شکل و عبارت دقیق توماس را عیناً ترجمه کنند. اما همانطور که گفتم، این تا حدودی بی‌تأثیر به نظر می‌رسد. دوم، آنها در نحوه تفسیر و ترجمه مرقس ۹، ۲۳ و ۲۴ متفاوت هستند و اغلب، این تفسیر نامشخص است.

به نوعی یک گام ایمانی برمی‌دارد و آن را به یک سوال بلاغی تبدیل می‌کند و واقعاً (NLC) انجمن ملی ال‌سی واقعاً روشن می‌کند که عیسی می‌گوید، اگر می‌توانید منظورتان چیست؟ حال، آیا آنها کلماتی به عیسی اضافه می‌کنند؟ آیا او آن کلمات را گفت؟ برخی ممکن است استدلال کنند که بله. آیا تأثیر بلاغی تغییر کرده است؟ می‌توان استدلال را مطرح کرد؛ نه، تغییر نکرده است. بنابراین، مهمترین چیز در اینجا چیست؟ مهمترین چیز در اینجا تأثیر بلاغی و حفظ کلمات است.

بنابراین، ما باید هر دو را متعادل کنیم. نکته سوم این است که اکثر نسخه‌های مرقس ۱۴:۴۱ آن را به یک سوال بلاغی تبدیل می‌کنند تا واضح باشد زیرا آنها این حس را داشتند که مردم ممکن است متوجه نشوند که این یک جمله بلاغی است. بنابراین، ما تا حد امکان فرم را حفظ می‌کنیم و در عین حال واقعاً بر عملکرد بلاغی تأکید می‌کنیم.

ما این کار را برای سوالات بلاغی و جملات بلاغی انجام می‌دهیم. بنابراین، این یکی دیگر از مسائل ترجمه است. که هنگام ترجمه کتاب مقدس با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

این دکتر جورج پیتون در حال تدریس ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه ۲۴، سوالات بلاغی و گزاره‌های بلاغی است.